نگاهی به چالش‌های جامعه اسلامی در مسیر توسعه اقتصادی

طبقه متوسط و تحولات سیاسی

■ امیرعلی جهاندار ■

جامعه‌شناسان از منظرهای مختلف به تحلیل جامعه خود می‌پردازند، برخی از نگاه سنی به جامعه می‌نگرند و مبتنی بر توزیع سنی جامعه به تحلیل جامعه می‌پردازند و برخی از منظر توسعه‌یافتگی یا عدم توسعه‌یافتگی جامعه را تقسیم‌بندی می‌کنند اما یکی از توصیف‌های رایج درباره شناسایی جوامع امروزی، جامعه‌شناسی از منظر اقتصادی و اجتماعی است.

بعد از پیدایش شهرها و شکل‌گیری اجتماعات انسانی، به همراه توسعه ابزار و وسایل تولید، کم‌کم اجتماعات اولیه (کمون‌ها) جای خود را به جوامع مبتنی بر تفکیک طبقاتی دادند. به عبارت دیگر عده‌ای به‌عنوان مالکان و صاحبان ابزار تولید در مقابل عده‌ای که فاقد این ابزار و وسایل بودند، قرار گرفتند. بدین ترتیب در جوامع، همواره گروه یا گروه‌هایی، در مرتبه بالایی جامعه و گروه‌هایی در مرتبه پایینی قرار می‌گرفتند، به نوعی که حتی امکان تحرک و جابه‌جایی از این مرتبه‌ها گاه بسیار دشوار و حتی غیرممکن بوده است. شاید بهتر بتوان گفت که مفهوم طبقه به تعبیر بسیاری از اندیشمندان، از همین برخورداری یا عدم برخورداری از ابزار تولید شکل گرفته است.

جامعه ایران نیز چه در عهد باستان و چه در قرون جدید، از این قاعده مستثنا نبوده و در هر دوره و عصری گروه‌ها و طبقات فرودست و فرادست بسیاری را به خود دیده، به‌طوری که در بعضی زمان‌ها روابط میان این طبقات بسیار سخت و تقریباً کاستی یا شبه‌کاستی بوده و در بعضی دوره‌ها از انعطاف بیشتری برخوردار بوده است. هرچه از گذشته به زمان حال نزدیک‌تر می‌شویم به دلایل مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تقابل میان ۲ طبقه کمتر شده به طوریکه در ۲ قرن اخیر شاهد گسترش طبقه‌ای جدید که از آن به نام طبقه متوسط یاد می‌شود در بسیاری از جوامع بوده‌ایم. البته ظهور و مراحل رشد آن در ایران را به کمتر از یک قرن اخیر می‌توان نسبت داد.[1]

اما در حقیقت طبقه اجتماعی چیست و چگونه تعریف می‌شود؟

امروزه واژه «طبقه اجتماعی» عموماً برای توصیف دسته‌های مختلف افراد در جامعه به کار می‌رود. افرادی که در یک طبقه اجتماعی خاص دسته‌بندی می‌شوند، تقریباً از نقطه نظر اجتماعی یکسان و دارای مشاغل، سبک زندگی و علایق مشابهی هستند. طبقه اجتماعی را می‌توان به صورت مجموعه‌ای از افراد با ویژگی‌های نسبتاً یکسان و دائمی در جامعه که از نظر مقام و موقعیت، ثروت، تحصیلات، دارایی‌ها و ارزش‌ها متفاوت از دیگران هستند تعریف کرد.[2]

طبقات اجتماعی لایه‌بندی‌های رفتاری، فرهنگی و اقتصادی جامعه را شکل می‌دهد و نمودی است از شکاف‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در جوامع که موقعیت نسبی افراد در یک سیستم اجتماعی حاصل از نابرابری‌های سیستماتیک اجتماعی آنها می‌شود. ثروت، قدرت، پرستیژ و مقام بین افراد جوامع هیچ‌گاه به طور یکسان توزیع نمی‌شود. می‌شود گفت طبقه اجتماعی از نظر تاریخی نیز یک مفهوم ثابت نبوده است. برای مثال برخی افراد ممکن است به نسبت درآمد خود، به طبقه اجتماعی بالاتری متعلق باشند اما یک فرد با تحصیلات اندک و دارایی‌های ارثی فراوان ممکن است بالاتر از یک فارغ‌التحصیل عالی دانشگاه قرار گیرد. لذا اگرچه تحصیلات، درآمد و حرفه، ۳ متغیر مهم مشخص‌کننده طبقه اجتماعی هستند اما همواره به‌عنوان شاخص‌های مطلق شناخته نمی‌شوند. واضح است که ترکیب‌های پیچیده‌ای از پاداش‌ها و منافع اجتماعی و فرصت‌های جامعه بر طبقه اجتماعی تاثیر می‌گذارد. برخی ادعا کرده‌اند ظهور یک طبقه جدید، یعنی طبقه افراد با مهارت فنی بالا و تحصیلات عالی که به اطلاعات و تکنولوژی اطلاعات دسترسی دارند، روش تعریف طبقه اجتماعی را تغییر خواهد داد. دانش اطلاعات و دسترسی به آن ممکن است به‌عنوان یکی از عوامل مشخص‌کننده موقعیت و طبقه اجتماعی، ثروت و دارایی را به چالش بطلبد اما طبقه متوسط حد فاصل اقلیت بالادستی جامعه و اکثریت پایین‌دست جامعه‌اند که از زمان پهلوی دوم به بعد در حال رشد هستند. همچنین طبقه اجتماعی صرفاً یک معیار اقتصادی نبوده و دربرگیرنده مفاهیم مختلفی از قبیل پرستیژ، مقام و حس تعلق داشتن مشترک است. عموماً اعضای یک طبقه اجتماعی تمایل دارند که به روش مشابهی زندگی کنند، دیدگاه‌ها و فلسفه مشترک داشته باشند و مهم‌تر از همه الگوهای رفتاری و مصرفی یکسانی داشته باشند.

طبقه متوسط ریشه‌ای تاریخی در شهرنشینی دارد و وجود آن قبل از هر چیزی متاثر از شهرنشینی بوه است. طبقه متوسط ایران در نظام محمدرضا شاه طبقه متجانس و همگون نبوده و فاقد یک نوع ایدئولوژی واحد و مستقل و منافع طبقاتی مشابه و معین بودند و در یک تقسیم‌بندی کلی طبقه متوسط به ۲ قسمت طبقه متوسط سنتی و طبقه متوسط جدید تقسیم می‌شدند. طبقه متوسط به معنای ساده‌تر طبقه‌ای است که اعضای آن خود را نه از طبقه حاکم و نه از طبقه کارگر می‌دانند.[3]

اگر بخواهیم برای طبقه متوسط امروز شاخصه‌هایی را بیان کنیم باید این چند شاخصه را بیان کنیم: ۱-زندگی شهری ۲-سواد دانشگاهی ۳-رفاه نسبی اقتصادی و نداشتن دغدغه‌های روزمره معیشتی ۴-ساکن مناطق متوسط شهری ۵-دغدغه آزادی‌های فردی و اجتماعی و... اینها گوشه‌ای از چارچوب‌های طبقه متوسط است؛ طبقه‌ای که امکانات و دسترسی‌های وسیع اقلیت سرمایه‌دار بالای جامعه را ندارند اما از رفتارهای آن طبقه در نوع پوشش، خوراک و سبک زندگی الگو می‌پذیرند. بعد از انقلاب و جنگ تحمیلی با روی کار آمدن دولت کارگزاران؛ آنچه بیش از همه نمود پیدا کرد، شکل‌گیری یک طبقه جدید اجتماعی بود. طبقه مسلطی که شاخص ارزش و ضد ارزش بودن مسائل اجتماعی در جامعه شد و با تغییر در ارزش‌های مادر- جانشینی «تجمل‌گرایی» به جای «ساده‌زیستی»؛ درجه اول شدن ارزش «ثروت‌اندوزی» و دسته چندم شدن ارزش «عدالت»- طبقه مرفه بی‌دردی به وجود آمد که سبک رفتاری، پوششی و دغدغه‌های متفاوتی نسبت به جامعه آن روز ایران داشت. پرویز امینی، جامعه‌شناس سیاسی درباره شکل‌گیری و تاثیرگذاری این طبقه جدید می‌گوید: «طبقه صاحب ثروت که طبقه ارزشمند جامعه شد، از نظر سبک زندگی چه نوع سبک زندگی دارد؟ معمولا تقید به دین و ارزش‌های دینی ولو ارزش‌های ظاهری دین مثل پوشش و امثالهم در این طبقه چقدر است؟ مسلما نسبت به متوسط جامعه کمتر است. وقتی این طبقه مدساز شد آنوقت زندگی او، نحوه پوشش او، نوع میهمانی‌های او، موضوعات مورد اهمیت او و دغدغه‌های او، دغدغه‌های مهم جامعه می‌شود. هر کس که بخواهد بگوید من مهم هستم، من هم ارزشمند هستم، باید یا ثروتی که او دارد به دست بیاورد که معمولا امکان به دست آوردن ثروت در شرایط طبیعی و معمولی برای همه در آن سطحی که بتوانند وارد این طبقه شوند وجود ندارد! و آن وقت افراد برای شبیه کردن خود به این طبقه تلاش می‌کنند و از آنجا که برای همه چنین شرایطی وجود ندارد، رشوه و پارتی‌بازی و فساد و... مساله عادی جامعه می‌شود و نتیجه آن می‌شود فساد اقتصادی! یعنی به هر طریقی و به هر شیوه‌ای باید برویم تا به این طبقه جامعه برسیم. چرا که همه دوست دارند که جزو طبقه بااهمیت و ارزشمند باشند و در جامعه مورد احترام باشند».[4] شکل‌گیری آن طبقه اجتماعی در دهه ۷۰ باعث شد بخش وسیعی از جامعه تلاش کنند سبک زندگی و دغدغه‌های خود را به آن طبقه شبیه کنند تا مورد احترام قرار گیرند و همین امر باعث شد طبقه متوسط شهری در ایران گسترش یابد. طبقه‌ای که مبتنی بر نظریه «هرم سلسله مراتب نیازهای مزلو» از نیازهای فیزیولوژیک فراتر آمده و دغدغه‌هایش بیشتر در مسائل اجتماعی است؛ از جمله مهم‌ترین دغدغه‌های این طبقه «آزادی» است. شاید بزرگ‌ترین ایراد طبقه متوسط در ایران نیز آن باشد که لزوما فرهنگ این طبقه همراستا با سطح درآمدی و رفاهی آنها رشد نکرده است و این باعث شده ناهنجاری‌های بسیاری را از سوی این طبقه شاهد باشیم؛ ناهنجاری‌هایی از قبیل نوع پوشش افراطی، عدم فرهنگ آپارتمان‌نشینی، عدم قانونگرایی و....

امیل لدرر، جامعه‌شناس آلمانی که عموما از او به‌عنوان اولین متفکر طرح طبقه متوسط جدید یاد می‌شود، مفهوم طبقه متوسط را مرتبط با مهم‌ترین ویژگی آن که شیوه زندگی و حقوق اعضای طبقه است بیان می‌کند. «پیر لاروک» طبقه متوسط را شامل گروه‌های متعددی می‌داند که ویژگی مشترک آنها فقط این است که جزو هیچ‌یک از ۲ طبقه حاکم و طبقه کارگر نیستند. او می‌گوید: «این طبقات از طبقه حاکم به این جهت متمایز می‌شوند که هیچ‌یک از پست‌های حساس سیاسی، اقتصادی و اداری را در دست ندارند. البته اعضای این طبقات مجریان ساده‌ای نیستند و اختیارات و مسؤولیت‌هایی نیز دارند اما اقدام آنها کم و بیش آگاهانه و در چارچوب و جهتی است که توسط مقامات بالاتر معین می‌شود».[5] در یک پیمایش تاریخی نیز مشخص شده است که توزیع جمعیت در کشور طی ۵۰ سال گذشته تقریبا برعکس شده است به گونه‌ای که در سال ۱۳۳۵، جمعیت شهری ۳۱/۵ درصد و جمعیت روستایی ۶۸/۵ درصد بوده در حالی که در سرشماری سال ۹۰، ۷۱/۴ جمعیت را جمعیت شهرنشین و تنها ۲۸/۶ درصد را جمعیت روستانشین تشکیل می‌دهند که این خود نمودی از بزرگ شدن حجم طبقه متوسط است که به تبع آن مسلط کردن دغدغه‌های متفاوتی را در جامعه در پی دارد.

■ **طبقه متوسط و کنش‌های سیاسی**

اما در میان همه این مسائل یکی از نمودیافته‌ترین نوع کنش طبقاتی و اجتماعی کنشگران در یک جامعه سیاسی، رفتار انتخاباتی آنهاست. از دیدگاه روانشناسی اجتماعی، رفتار انتخاباتی پدیده‌ای گروهی است که حکایتگر نوعی عمل سیاسی است. به اعتقاد بیشتر روانشناسان اجتماعی، این رفتار خاستگاه طبقاتی و خانوادگی داشته و به صورت ارثی از فردی به فردی و نسلی به نسلی دیگر منتقل می‌شود اما از دیدگاه جامعه شناسی، این پدیده‌ها و رفتارها ناشی از عضویت و تعاملات گروهی و ساختی و تأثیر شرایط اجتماعی بر کارکردهای متعین قدرت و نیز کنش‌های طبقاتی است و الگوهای آن از این زاویه تبیین می‌شود. بر پایه این نگاه جامعه‌شناختی به رفتار سیاسی می‌توان آن را از زاویه روابط حزبی، مشارکت و نگرش جمعی و رابطه‌یابی طبقه و پایگاه با دولت و قدرت سیاسی دنبال کرد. متفکران حوزه علوم اجتماعی سال‌هاست به رفتار و کنش سیاسی طبقه متوسط جدید حساسند و به بررسی نظام ارزشی، ویژگی‌های جامعه‌شناختی و جهت‌گیری سیاسی آنها می‌پردازند. آنچه مسلم است اینکه تجربه نشان داده است رشد این طبقه، به تحولات سیاسی و اجتماعی منجر خواهد شد. برخی پا را از این هم فراتر گذاشته‌اند و مدعی‌اند مرکز ثقل همه تحولات جامعه این طبقه‌اند؛ همچنان که آمارها نیز در بالا تا حدودی همین امر را تاکید دارد. همچنین نکته قابل‌تامل در اینجا آن است که در یکصد سال اخیر طبقه متوسط نقش بسزایی در تحولات سیاسی- اجتماعی کشور داشته است و کانون مخالفت‌ها، مبارزات و تحرکات سیاسی عمده‌ای علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی بوده است. البته با این تفاوت که ارزش در طبقه متوسط پیش از انقلاب بیشتر مذهبی بوده و طبقه متوسط را روحانیت و حامیان آن تشکیل می‌دانند و چنانچه مهاجرنیا می‌نویسد: «هر چند رواج مفاهیم متعلق به گفتمان دموکراسی‌خواهی از قبیل ملی‌گرایی باستانی (آرکائیسم) یا آزادی در طیفی از روشنفکران که غالباً تحصیلکرده غرب بودند، رواج داشت و از طرفی گفتمان مارکسیستی به سرعت در حال توسعه بدنه اجتماعی خود در قشر دانشجو بود، لیکن غلبه اصلی در این برهه با عناصری جدید از نشانگان گفتمانی روحانیت انقلابی است. متدینان اصیل که عمدتاً در بازاری‌ها و فعالان اقتصادی متعلق به پیش از نوسازی رضاخانی تعریف می‌شوند در ادغام با روحانیتی که خود را پیشقراول گفتمان انقلابی امام خمینی(ره) معرفی کرده بودند، طبقه‌ای را تشکیل داده بودند که در تعریف برخی نویسندگان «طبقه متوسط سنتی» نام گرفته‌اند».[6]

اما طبقه متوسط شکل گرفته پس از دوران کارگزاران که هر روز در حال افزایش است بیش از همه در سبک زندگی مدرن غوطه‌ورند. جامعه ایران در ۲ دهه گذشته فرآیند مدرنیزاسیون را به شکلی پرشتاب طی کرده یعنی در واقع سیمای اجتماعی جامعه ما در حال تغییر است. چند نمود عینی از این جامعه را می‌توانید در عادی شدن طلاق در جامعه، بالارفتن سن ازدواج و عدم تمایل به فرزندآوری مشاهده کرد که همه اینها منبعث از آزادی فردی و عدم تعهد به غیر است. نمونه‌های رفتاری دیگری از این جامعه مدرن بالا رفتن آمار سفرها با وسایل نقلیه شخصی است. شاید مهم‌ترین کنش سیاسی- اجتماعی طبقه متوسط در برابر دولت روحانی را نیز بتوان پاسخ این طبقه به رفراندوم هدفمندی یارانه‌ها دانست که در کنار طبقه کارگر، برابر خواست روحانی با نصاب ۹۶ درصدی ایستاد. مساله اساسی طبقه متوسط ایران، سامان دادن یک زندگی مدرن در جامعه و توسعه همه‌جانبه است. از منظر این طبقه، کیفیت زندگی و نحوه بهره‌گیری از زندگی اهمیت بسیار دارد و البته در این بین باید متوجه بود بزرگ‌ترین خطر برای جامعه اسلامی ایران در روند توسعه اقتصادی و افزایش رفاه شاید فراموش شدن «ارزش‌های بنیادین» جامعه باشد؛ ارزش‌هایی که ماهیت انقلاب اسلامی با آنها تعریف می‌شود، ارزش‌هایی از قبیل «عدالت و عدالتخواهی»، «استقلال»، «استکبارستیزی»، «ساده‌زیستی» و.... در این بین تنها مولفه‌ای که امیدواری را به جامعه بازمی‌گرداند نهادینه بودن دین در جامعه ایرانی است و شاید تنها راه گریز از وضعیت موجود تبلور دوباره آرمان‌های انقلاب اسلامی باشد. مساله «دین»، طبقه متوسط ایرانی را متفاوت کرده است؛ پدیده‌ای که در ۹ دی ۸۸ خود را تمام‌قد به رخ کشید.

پی‌نوشت:

۱- فوران، جان، تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ دوم، ۱۳۷۸

۲- منصور صمدی، «مفهوم طبقه اجتماعی»، روزنامه شرق، شماره ۷۷۵

۳- عیوضی، تئوری‌های ساخت قدرت و رژیم پهلوی دوم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲، ص۵۶

۴- امینی، پرویز، عدالت، گفتمانی در حال گذار، سخنرانی در جمع اعضای انجمن‌های اسلامی، بهمن ۸۹

۵- پیر لاروک، «طبقات اجتماعی»، ترجمه: ایرج علی‌آبادی، تهران، سازمان کتاب‌های جیبی، ۱۳۴۶، صص۸۹-۸۸

۶- محسن مهاجرنیا، «طبقه متوسط در ایران»، مجله زمانه، شماره ۲۴.

چالش‌های اقتصاد دانش‌بنیان در ایران- ۸

■ محمدرضا حیاتی ■

گزارش

■ **چگونگی و کیفیت حاصل کار**

از آن جهت که مطابق عرف بین‌الملل از رساله‌های ارشد انتظار هیچ نوآوری وجود ندارد و در واقع منظور بیشتر این است که دانشجو توانمندی پیدا کند تا هم آرا و اندیشه‌هایی را خوب و دقیق فهم کند و آنها را به‌طور مستشهد بازسازی کند و سپس نقدهای جدی به آنها را هم خوب بفهمد و هم به‌درستی بازگو کند، از بررسی این رساله‌ها درمی‌گذریم.

■ **طرز ساختن یک اثر پژوهشی بزرگ**

اما رساله‌های دکترا؛ رساله‌هایی که نخستین اثر پژوهشی بزرگی است که دانشجو زیرنظر استاد یا استادانی به‌ثمر می‌رساند. چرا دانشجویان تمام حوزه‌های تخصصی برای نوآوری و شجاعت نظری تربیت نمی‌شوند و از ایشان چنین کاری هم خواسته نمی‌شود؟ زیرا آن بینش بنیادین می‌گوید عالمان طبیعی، پزشکی و مهندسی ـ همان مربیان تعلیم و تربیت دانشجویان دکترا ـ همان‌قدر عضو و محصول و متأثر از جامعه و فرهنگ وسیع مشترک جامعه‌مان هستند که عالمان انسانی و اجتماعی. عموم عالمان در ابتدا و پیش از یافتن تخصص در حوزه‌ای خاص، در بستر و زمینه فرهنگی و اجتماعی مشترکی رشدکرده به سن دانشجویی می‌رسند و سپس در بستر و زمینه اجتماعی مشترکی به نام دانشگاه پرورده می‌شوند. این زمینه اجتماعی خاص‌تر، ضمن داد و ستد و تعامل با زمینه عام و وسیع فرهنگی مشترک‌مان، هنجارها و ارزش‌ها و بینش‌هایی را به‌نوبه خود در قلب و جان دانشجو پرورش می‌دهد یا پژمرده می‌کند. با توجه به آنچه تاکنون درباره تعامل میان اساتید، تعامل میان اساتید و دانشجویان، تعامل میان خود دانشجویان، وضعیت اشتغال بیرون از دانشگاه دانشجویان دکترا، وضعیت دروس تحصیلات تکمیلی و نحوه ارزیابی آنها، چگونگی انتخاب و تصویب موضوع رساله و استادان راهنما و مشاور، چگونگی انجام راهنمایی و مشاوره، چگونگی ارزیابی رساله و چگونگی جلسات دفاعیه از رساله به تفصیل گفته شد آیا غیرمنتظره است اگر قائل شویم رساله‌های دکترا، بویژه در حوزه‌های پرتحدی نظری، عموماً مشتمل است بر نقل انبوهی از اقوال، شرح برخی از آنها و بعضاً ذکر نام شخصیت‌ها و آثار مشهور و مطرح و نقل قولی کوتاه و جذاب از آنها؛ قولی که معمولاً ربط جدی و مهمی به زمینه مطالب و مباحث ندارد؟ به‌ندرت می‌توان در رساله‌های دکترا، اصلی، نظریه‌ای، آموزه‌ای، قاعده‌ای، بینشی، سنتی یا مکتبی را یافت که دانشجو پس از بازسازی مستشهد و مستند آن، آن را مورد نقدی، جرح و تعدیلی، اصلاح و اکمالی یا نفی و ردی قرار داده باشد. صرف‌نظر از رساله دانشجویان استثنائی و خلاف قاعده نادر، آنچه متأسفانه باید درباره رساله‌های دکترا اعتراف کرد، این است: در مجموع، تحلیل و نقادی و اظهارنظر یا نظریه، قریب به صفر!

■ **مجلات علمی و پژوهشی**

در این بخش می‌توانیم وضعیت فعلی مجلات را در ۵ بخش دسته‌بندی کنیم: ۱- خاستگاه و فلسفه وجودی فصلنامه‌های موسوم به علمی – پژوهشی ۲- ترکیب هیات داوران یا تحریریه علمی ۳- روند ارزیابی مقالات ۴- عدم همکاری اساتید پیشکسوت و ۵- نقش و تاثیر این قبیل فصلنامه‌ها.

به دلیل مفصل بودن ۴ مورد اول از آن می‌گذریم و به نکته پنجم که نقش و تاثیر مقالات است بسنده می‌کنیم. کافی است ابتدا از خود سوال کنیم، ظرف یک، ۲، ۵ یا ۱۰ سال گذشته چند بار برای پژوهش‌های در دست اجرای خود یا برای اطلاع از جریانات پژوهشی جدید، به این قبیل فصلنامه‌های علمی و پژوهشی مراجعه کرده‌ایم. سپس سوال را از دانشجویان ارشد و بویژه دکترا بپرسیم؛ بعد به نحوه مناسبی همان سوال را از استادان و همکسوتان خود بپرسیم و در آخر از مراکز مطالعاتی و پژوهشی‌ای که به نحوی، حلقه واسط این پژوهش‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و برنامه‌های ریز و درشت مملکتی هستند، همان سوال را پرسش کنیم.

ظرف یک، ۲، ۵ یا ۱۰ سال گذشته چند بار برای پژوهش‌های دردست اجرای خود یا برای اطلاع از جریانات پژوهشی جدید، به این قبیل فصلنامه‌های علمی و پژوهشی مراجعه کرده‌ایم؟

برای سوال دوم می‌توانیم بپرسیم که چه میزان فصلنامه‌های علمی و پژوهشی در اعتلای فکر و فرهنگ ما دانشگاهیان، حوزویان، هنرمندان و فرهنگیان، نقش و تاثیر داشته است؟ یا اینکه از خودمان سوال کنیم پس از اینکه یک مقاله خوانده‌ایم بالاخره موضع پژوهشگر را توانسته‌ایم حدس بزنیم؟

تقویم تاریخ

وفات عقیله بنی‌هاشم، ام‌المصائب حضرت زینب کبری(س) (۶۲ ق)

حضرت زینب(س) پس از بازگشت از شام و رجعت به مدینه، همواره در مجالس خود از راه امام حسین(ع) و مصایب عاشورا سخن می‌راند و مردم را علیه حکومت جور تحریک می‌کرد. کم‌کم کار به جایی رسید که اقامت آن حضرت در مدینه با مخالفت والی شهر روبه‌رو شد و ایشان عازم شام شدند. سرانجام آن حضرت در ۵۶ سالگی به سرای باقی شتافت. محل دفن آن بانوی مجلله مورد اختلاف است و برخی شام، مدینه و عده‌ای مدفن ایشان را در سرزمین مصر می‌دانند.

■■■

آغاز نخستین مهاجرت مسلمانان مکه به حبشه (۵ بعثت)

در پی فشار طاقت‌فرسای مشرکان قریش بر مسلمانان، پیامبر اکرم(ص) به تعدادی از پیروان خود دستور داد برای در امان ماندن از اذیت و آزار مشرکان، به سرزمین حبشه مهاجرت کنند. جمعی از مسلمانان که ۱۱ مرد و ۴ زن بودند به سرپرستی عُثمان بن مظعون به حبشه مهاجرت کردند و زمینه‌ساز مهاجرت بعدی مسلمانان به سرپرستی جعفر بن ابیطالب(ع) شدند. این مهاجرت‌ها، طی سالیان متمادی، سبب نفوذ و گسترش دین اسلام در قاره آفریقا شد.

■■■

تغییر قبله از بیت‌المقدس به سوی کعبه به قول مشهور (۲ ق)

پس از دستور واجب شدن نماز بر مسلمانان، پیروان این آیین الهی، به طرف بیت‌المقدس، محلی که مورد احترام ادیان دیگر از قبیل یهودیت و مسیحیت بود، نماز می‌خواندند ولی پس از هجرت پیامبر اسلام به مدینه، یهودیان این شهر، پیامبر اسلام(ص) را مورد طعنه قرار داده و از اینکه مسلمانان از قبله یهودیان برای نماز استفاده می‌کنند، آنان را استهزا می‌کردند. سرانجام در حالی که ۱۷ ماه از ورود پیامبر اسلام(ص) به مدینه می‌گذشت، به دستور خدا، کعبه، قبله مسلمانان شد. این دستور در حالی که پیامبر اکرم(ص) نماز ظهر را در مسجد بنی‌سَلَمه اقامه می‌کرد از جانب خداوند صادر شد. پیامبر اسلام(ص) در حال نماز، روی به مسجدالحرام کرد و دو رکعت پایانی نماز ظهر را به سوی کعبه خواند و به همین دلیل این مسجد در تاریخ اسلام به «ذوالقبلَتَین» معروف شده است.

■■■

مرگ جوزف مک‌کارتی، سناتور مشهور آمریکایی (۱۹۵۷م)

جوزف مک کارتی، سیاستمدار معروف آمریکایی، در سال ۱۹۰۹م به دنیا آمد. او پس از اتمام تحصیلات خود وارد فعالیت‌های حزبی شد و در ۳۷ سالگی به نمایندگی سنای آمریکا برگزیده شد. مدتی پس از فرار چیان کایچک، رهبر چین ملی که مورد حمایت آمریکا بود، مک‌کارتی در نطق شدیداللحنی اعلام کرد شکست دولت آمریکا در چین، به سبب وجود کمونیست‌ها در وزارت خارجه آمریکاست. پس از آن تعداد زیادی از کارمندان وزارت خارجه به‌عنوان جاسوسان کمونیست از کار بر کنار شدند و تحت بازجویی قرار گرفتند. این موج که مک‌کارتیسم لقب گرفت و به مدت چندین سال افکار عمومی مردم آمریکا و جهان را به خود مشغول داشت، باعث شد تمام حرکات کمونیست‌ها با بدبینی شدید ارزیابی شود و از این پس دولت نیز نسبت به کل تحرکات دولت‌های کمونیستی حساسیت فراوانی از خود نشان دهد. از جمله آثار این بدبینی، راسخ‌تر شدن عزم آمریکا برای شرکت گسترده و فعال در جنگ کره در سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۳م بود. به پیشنهاد او کمیته‌های تحقیق کنگره و مراجع قضایی آمریکا، بسیاری از مقامات آمریکایی، دانشمندان، نویسندگان و هنرمندان را تحت تعقیب و بازجویی قرار دادند و عده زیادی را به اتهام تمایلات کمونیستی از کار برکنار کردند. اصطلاح مک‌کارتیسم تا سال‌ها، در مباحث سیاسی برای بیان طرز تفکر کسانی که هر جریان لیبرال و مخالفی را به کمونیست‌ها نسبت می‌دهند یا به هر جریان مخالفی برچسب کمونیستی و گرایش‌های دست‌چپی می‌زنند، به کار می‌رفت. جوزف مک‌کارتی سرانجام در ۴ مه ۱۹۵۷م در ۴۸ سالگی جان سپرد.